



اهمیت تغذیه طبیعی نوزاد در قرآن / ۷ دستور درباره شیر دادن نوزادان

در آیات قرآن در چند مورد به بحث شیردادن کودکان اشاره می‌کند که یکی از این موارد آیه ۲۳۳ سوره بقره است که در آن خداوند با تفصیل بیشتری نسبت به سایر آیات در مورد صحبت می‌کند.

در آیات قرآن در چند مورد به بحث شیردادن کودکان اشاره می‌کند که یکی از این موارد آیه ۲۳۳ سوره بقره است که در آن خداوند با تفصیل بیشتری نسبت به سایر آیات در مورد صحبت می‌کند.

به گزارش خبرنگار مهر، اهمیت تغذیه طبیعی نوزاد سبب شده است تا از سوی سازمان‌های بهداشت جهانی و یونسف همه ساله از ۱۰ تا ۱۶ مرداد به‌عنوان هفته جهانی شیر مادر تعیین شود. در ایران همچنین روز ۱۰ مرداد به‌عنوان روز جهانی شیر مادر به رسمیت شناخته شده است. در آیات قرآن در چند مورد به بحث شیردادن کودکان اشاره می‌کند که یکی از این موارد آیه ۲۳۳ سوره بقره است که در آن خداوند با تفصیل بیشتری نسبت به سایر آیات در مورد صحبت می‌کند.

در ادامه تفسیر آیت الله مکارم شیرازی از آیه فوق می‌آید:

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ وَبُوتُهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بُوتُهُ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تُسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ.

مادران، فرزندان را دو سال تمام، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده [پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد، حتی اگر طلاق گرفته باشد). هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد [هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تامین نماید] و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر باز گیرند، گناهی بر آنها نیست و اگر (با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست، به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید و از (مخالفت فرمان) خدا به پرهیزید و بدانید خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست!

هفت دستور درباره شیر دادن نوزادان

این آیه که در واقع ادامه بحث‌های مربوط به مسائل ازدواج و زناشویی است، به سراغ يك مساله مهم، یعنی مساله "رضاع" (شیر دادن) و با تعبیراتی بسیار کوتاه و فشرده و در عین حال پر محتوا و آموزنده جزئیات این مساله را بازگو می‌کند.

۱- نخست می‌گوید: مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند؛ (وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ).

«والدات» جمع «والده»، در لغت عرب به معنی مادر است، ولی «ام» معنی وسیع‌تری دارد که گاه به مادر یا مادر مادر و گاه به ریشه و اساس هر چیزی اطلاق می‌شود.

در این بخش از آیه، حق شیر دادن در دو سال شیرخوارگی به مادر داده شده، و اوست که می‌تواند در این مدت از فرزند خود نگهداری کند و به اصطلاح حق حضانت در این مدت از آن مادر است، هر چند ولایت بر اطفال صغیر به عهده پدر گذاشته شده است، اما از آنجا که تغذیه جسم و جان نوزاد در این مدت با شیر و عواطف مادر پیوند ناگسستنی دارد این حق به مادر داده شده، علاوه بر این عواطف مادر نیز باید رعایت شود، زیرا او نمی‌تواند آغوش خود را در چنین لحظات حساسی از کودکش خالی ببیند و در برابر وضع نوزادش بی تفاوت باشد، بنا بر این قرار دادن حق حضانت و نگهداری و شیر دادن برای مادر يك نوع حق دو جانبه است که هم برای رعایت حال فرزند است و هم مادر، و تعبیر "اولادهن" (فرزندانشان) اشاره لطیفی به این مطلب است.

گر چه ظاهر این جمله مطلق است، و زنان مطلقه و غیر مطلقه را شامل می‌شود، ولی جمله‌های بعد نشان می‌دهد که این آیه به زنان مطلقه نظر دارد هر چند مادران دیگر نیز از چنین حقی برخوردارند، اما در صورت نبودن جدایی و طلاق، عملاً اثر ندارد.

۲- سپس می افزاید این برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را کامل کند؛ (لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ).

یعنی مدت شیر دادن طفل لازم نیست، همواره دو سال باشد، دو سال برای کسی است که می خواهد شیر دادن را کامل کند، ولی مادران حق دارند با توجه به وضع نوزاد و رعایت سلامت او این مدت را کمتر کنند.

در روایاتی که از طرق اهل بیت ع به ما رسیده دوران کامل شیرخوارگی دو سال، و کمتر از آن، بیست و یک ماه معرفی شده است.

بعید نیست این معنی از ضمیمه کردن آیه فوق با آیه وَ حَمَلُهُ وَ فَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا: "بارداری او و از شیر گرفتنش، سی ماه است" نیز استفاده شود، زیرا می دانیم معمولا دوران بارداری نه ماه است و هر گاه آن را از سی ماه کم کنیم بیست و یک ماه باقی می ماند که مدت معمولی شیر دادن خواهد بود، بلکه با توجه به اینکه آنچه در سوره احقاف آمده نیز به صورت الزامی است، مادران حق دارند با در نظر گرفتن، مصلحت و سلامت نوزاد، مدت شیرخوارگی را از بیست و یک ماه نیز کمتر کنند.

۳- هزینه زندگی مادر از نظر غذا و لباس در دوران شیر دادن بر عهده پدر نوزاد است تا مادر با خاطری آسوده بتواند فرزند را شیر دهد لذا در ادامه آیه می فرماید: "و بر آن کسی که فرزند برای او متولد شده (پدر) لازم است، خوراک و پوشاک مادران را به طور شایسته بپردازد؛ (وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ).

در اینجا تعبیر به «المولود له» (کسی که فرزند برای او متولد شده) به جای تعبیر به «اب- والد» (پدر) قابل توجه است، گویی می خواهد عواطف پدر را در راه انجام وظیفه مزبور، بسیج کند، یعنی اگر هزینه کودک و مادرش در این موقع بر عهده مرد گذارده شده به خاطر این است که فرزند او و میوه دل او است، نه یک فرد بیگانه.

توصیف به «معروف» (به طور شایسته) نشان می دهد که پدران در مورد لباس و غذای مادر، باید آنچه شایسته و متعارف و مناسب حال او است را در نظر بگیرند، نه سختگیری کنند و نه اسراف.

و برای توضیح بیشتر می فرماید: «هیچ کس موظف نیست بیش از مقدار توانایی خود را انجام دهد» (لا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا).

بنا بر این هر پدری به اندازه توانایی خود وظیفه دارد، بعضی این جمله را به منزله علت برای اصل حکم دانسته اند، و بعضی به عنوان تفسیر حکم سابق، (و هر دو در نتیجه یکی است).

۴- سپس به بیان حکم مهم دیگری پرداخته، می فرماید: "نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق دارد به کودک ضرر زند، و نه پدر" به خاطر اختلاف با مادر (لا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلِدِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدِهِ).

یعنی، هیچ یک از این دو حق ندارند سرنوشت کودک را وجه المصالحه اختلافات خویش قرار دهند، و بر جسم و روح نوزاد، ضربه وارد کنند.

مردان نباید حق حضانت و نگاهداری مادران را با گرفتن کودکان در دوران شیرخوارگی از آنها پایمال کنند که زیانش به فرزند رسد و مادران نیز نباید از این حق شانه خالی کرده و به بهانه های گوناگون از شیر دادن کودک خودداری کرده یا پدر را از دیدار فرزندش محروم سازند.

این احتمال نیز در تفسیر آیه داده شده است که منظور آن است که نه پدر می تواند حق زناشویی زن را به خاطر ترس از باردار شدن و در نتیجه زیان دیدن شیر خوار، سلب کند، و نه مادر می تواند شوهر را از این حق به همین دلیل باز دارد.

ولی تفسیر اول با ظاهر آیه سازگارتر است.

تعبیر به «ولدها» و «ولده» نیز برای تشویق پدران و مادران به رعایت حال کودکان شیر خوار است، به اضافه نشان می دهد که نوزاد متعلق به هر دو می باشد، نه مطابق رسوم جاهلیت که فرزند را فقط متعلق به پدر می دانستند و برای مادر هیچ سهمی قائل نبودند.

۵- سپس به حکم دیگری مربوط به بعد از مرگ پدر می پردازد، می فرماید: «و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد» (وَ

عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ).

یعنی: آنها باید نیازهای مادر را در دورانی که به کودک شیر می‌دهد تامین کنند- در اینجا بعضی احتمالات دیگر در تفسیر آیه داده شده که ضعیف به نظر می‌رسد.

۶- در ادامه آیه، سخن از مساله باز داشتن کودک از شیر به میان آمده و اختیار آن را به پدر و مادر واگذاشته، هر چند در جمله‌های سابق زمانی برای شیر دادن کودک تعیین شده بود، ولی پدر و مادر با توجه به وضع جسمی و روحی او، و توافق با یکدیگر می‌توانند کودک را در هر موقع مناسب از شیر باز دارند، می‌فرماید: "اگر آن دو با رضایت و مشورت یکدیگر بخواهند کودک را (زودتر از دو سال یا بیست و یک ماه) از شیر باز گیرند گناهی بر آنها نیست" (فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا).

در واقع پدر و مادر باید مصالح فرزند را در نظر بگیرند و با هم فکری و توافق و به تعبیر قرآن تراضی و تشاور، برای باز گرفتن کودک از شیر برنامه‌ای تنظیم کنند، و در این کار از کشمکش و مشاجره و پرداختن به مصالح خود و پایمال کردن مصالح کودک به‌پرهیزند.

۷- گاه می‌شود که مادر از حق خود در مورد شیر دادن و حضانت و نگاهداری فرزند خود داری می‌کند و یا به راستی مانعی برای او پیش می‌آید، در این صورت باید راه چاره‌ای اندیشید و لذا در ادامه آیه می‌فرماید: "اگر (با عدم توانایی یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست، هر گاه حق گذشته مادر را بطور شایسته بپردازید" (وَ إِنْ أُرَدْتُمْ أَنْ تُسْرِضُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ).

در تفسیر جمله «إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ»، نظرات گوناگونی از سوی مفسران اظهار شده، گروهی تفسیر بالا را پذیرفته‌اند که انتخاب دایه به جای مادر، پس از رضایت طرفین، بی مانع است مشروط بر اینکه این امر سبب از بین رفتن حقوق مادر، نسبت به گذشته نشود، بلکه حق او نسبت به مدتی که شیر می‌دهد طبق عادت پرداخته شود.

در حالی که بعضی آن را ناظر به حق دایه دانسته‌اند و گفته‌اند باید حق او طبق عرف عادت پرداخت شود، بعضی نیز گفته‌اند منظور از این جمله توافق پدر و مادر در مساله انتخاب دایه است. و بنا بر این تاکید می‌شود بر جمله قبل، ولی این تفسیر ضعیف به نظر می‌رسد و صحیح‌تر همان تفسیر اول و دوم می‌باشد و مرحوم "طبرسی" تفسیر اول را ترجیح داده است.

و در پایان آیه به همگان هشدار می‌دهد که «تقوای الهی پیشه کنید و بدانید خدا به آنچه انجام می‌دهید بینا است» (وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ).

مبادا کشمکش میان مرد و زن، روح انتقام‌جویی را در آنها زنده کند و سرنوشت یکدیگر و یا کودکان مظلوم را به خطر اندازند، همه باید بدانند خدا دقیقاً مراقب اعمال آنها است.

این احکام دقیق و حساب شده و هشدارهای آمیخته به آن به خوبی نشان می‌دهد که اسلام تا چه حد برای حقوق کودکان و همچنین مادران اهمیت قائل شده است و رعایت حد اکثر عدالت را در این زمینه سفارش می‌کند، آری اسلام بر خلاف آنچه در دنیای ستمکاران وجود دارد که حقوق ضعیفان همیشه پایمال می‌شود، حد اکثر اهمیت را به حفظ حقوق آنان داده است.

*تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۸۵